



**روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران** مدیرعامل: عبدالله گنجی آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری، تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۲۸۴ سازمان آگهی‌ها: ۰۲۷-۸۸۵۴۲۰۷۵ پنج خط روابط عمومی:۰۲۱-۸۸۴۹۸۴۴۹، شماره: ۸۸۴۹۸۴۶۹ توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۷۷-۷۶-۸۸۴۹۸۴۷۵ چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان چاپ هم‌زمان مشهد: مجتمع چاپ و نشر روزنامه قدس

| روزنامه جوان | شماره ۴۱۳۸ | چهارشنبه ۲۷ آذر ۱۳۹۲ | ۱۵ صفر ۱۴۲۵ | ادان ظهر: ۱۳۰۰ | غروب آفتاب: ۱۶۵۲ | اذان مغرب:۱۷۰۱ | نیمه شب:شهری: ۲۲:۱۶ | اذان صبح فردا:۰۵:۲۸ | اطلاع آفتاب فردا: ۰۷:۰۰

## مفاتیح‌الحیات

## نهی از دشنام باد

رسول خدا (ص) می فرماید:
بادها را دشنام ندهید، چرا که آنها بشارت دهنده و بیم دهنده و بارور کننده‌اند؛ پس خیرشان را از خدا بخواهید و از شرشان به او پناه برید.

## گزارش یک سبیده آماده

است که آفرینش‌های هنری خود با موضوع مقاومت را در معرض دید بازدیدکنندگان قرار داده‌اند.
به همین بهانه به فرهنگسرای هنر ایران رفته‌یم تا ضمن بازدید از آثار سومین جشنواره هنر مقاومت، گفت‌وگوهایی هم با دبیر کل و دبیر اجرایی جشنواره و همچنین بازدیدکنندگان آثار داشته باشیم.
به گزارش «جوان» شاید پیش از اینکه قدم به سرای فرهنگستان هنر ایران بگذارید، تصور از جشنواره هنر مقاومت آثاری باشد که به اندازه سایر موضوعات آثار هنرهای تجسمی نمی‌توانند با مخاطب ارتباط برقرار کنند، اما آثار این دوره از جشنواره هنر مقاومت نشان داد که این آثار می‌تواند به اندازه آثار هنری سایر حوزه‌ها، ذهن مخاطب را تا ساعت‌ها و گاه روزها درگیر نماید، و مفهوم خود کند.
ابراهیم کمالی‌فارع‌التحصيل رشته‌نقاشی است که برای بازدید از نمایشگاه آمد.



وی در خصوص آثار این دوره از جشنواره می‌گوید:
این نمایشگاه بسیار بالاتر از سطح انتظار من است و بسیار خوش‌حالم از اینکه فرصت بازدید از این جشنواره را از دست ندادم.
صدف رضایی دانشجویان هنر در خصوص آثار این جشنواره می‌گوید:
سطح کیفی آثار این دوره از جشنواره بسیار بالا است و با سطح آثار سایر جشنواره‌های کشور برابری می‌کند و چیزی کم از سایرین ندارد.
وی با اشاره به نقش مقاومت زبان در آثار این دوره از جشنواره ادامه می‌دهد:
این آثار می‌توانند نقش زبان را در موضوع مقاومت به درستی به نمایش بگذارند.

**نمایشگاه دائمی برای هنر مقاومت**

محمد حبیبی، مدیر انجمن تجسمی انقلاب و دفاع مقدس در خصوص استقبال مردم از سومین

دوره از جشنواره هنر مقاومت می‌گوید:
ما هنرمندان این دوره از جشنواره هنر مقاومت، هنرمندان جوان به خصوص دانشجویان بودند که بسیاری از این دانشجویان با استادی خود به نمایشگاه می‌آمدند و به صورت کارگاهی و پژوهشی از نمایشگاه بازدید می‌کردند. علاوه بر

## کادرچپ

مشایخی هم برای عذرخواهی از مسی راهی اسپانیا می‌شود!

# تقابل «خارجی پرستی» با «ناسزاگویی» در عرصه مسی!



ما ایرانی‌ها انسان‌های عجیب و غریبی هستیم. افراط و تفریط بر زوایای مختلف زندگی ما سایه انداخته‌است و نه اینکه این خصیصه تنها مختص قشر کم سواد یا بیسواد یا هر قشر دیگری باشد؛ کلیت جامعه‌ما درگیر معضلی به نام افراط و تفریط است و این افراط و تفریط‌ها که در حرکتی چون توهین جمعی از کاربران ایرانی فیس‌بوک به لیونل مسی ظهور پیدا کرد، ظاهراً کاماگان ادامه دارند.
چندی پیش در حرکتی غیراخلاقی جمعی از جوانان کشورمان غرق در این تفکر که در حال تفریح و تفتن و نمک ریختن در صفحه یکی از ستارگان فوتبال جهان هستند، اقدام به حرکتی غیراخلاقی کردند که هم شخصیت خود را زیر سؤال بردند و هم شخصیت فرهنگی خود را اتفاقاً توهین جمعی از کاربران ایرانی فیس‌بوک به لیونل مسی توهین می‌شدند! آقا شاد ولی بر اساس فرهنگ افراط و تفریطی که در جامعه باب شده‌است حالا جریان معکوسی به راه افتاده تا آنچه را که اتفاق افتاده به همان روش

## مفاتیح‌الحیات

مدیر مؤسسه شهید کاظمی از تجدید چاپ کتاب «دیدم که جانم می‌رود» و «حماسه تپه برهانی» در آینده نزدیک خبر داد.
به گزارش فارس، حمید خلیلی، مدیر مؤسسه شهید کاظمی درباره تازه‌ترین اثر زیر چاپ این انتشارات، بیان داشت: کتاب «حماسه تپه برهانی» در گذشته از سوی مؤسسه شهید کاظمی منتشر شده بود که اکنون چاپ چهارم این اثر زیر چاپ بوده و در آینده نزدیک منتشر می‌شود. وی اضافه کرد: کتاب «حماسه تپه برهانی» یکی از برترین آثار نوشتاری در حوزه ادبیات دفاع مقدس است که گرچه با فاصله اندکی از پایان جنگ به زیور طبع آراسته شد اما همچنان در کانون توجه محافل ادبی، هنرمندان این عرصه و مردم قرار دارد. خلیلی ادامه داد: خاطره «تپه برهانی» نوشته «سید حمید رضا طالقانی» در سال ۱۳۶۵ در نخستین مسابقه بزرگ فرهنگی هنری جبهه و جنگ که



## نما | حسین کشتکار



نقدی بر سخنان سریع‌القلم درباره زبان انگلیسی

# خوردن قند پارسی اولویت دارد یا شکلات انگلیسی؟

اندیشه برای بارور کردن تب دوباره زبان آموزی و آموختن زبانی بیگانه در کشور ضرورت دارد؛ اغراق نیست اگر بگوییم که نسل جدید پارسی‌گوی ایران هیچ شناختی از ادب، هنر و فرهنگ ریشه گرفته از این زبان ندارد، حتی مقام معظم رهبری در فرمایشی جالب توجه به این موضوع اشاره می‌کنند که نوه‌های ایشان نیز بیش از آنکه با اسامی دانشمندان ایرانی



آشنا باشند با اسامی بازیکنان تیم‌های فوتبال خارجی آشنا هستند؛ این حقیقتی درناک است که به کلیت نسل نوپای امروز قابل تعمق است؛ رنگ خطری که پیامدهای ناگواری برای ایران خواهد داشت؛ در بر خواهد داشت.

بیشتر یک شخصیت مصری گفته بود که اگر مردم مصر هم شاعری چون فردوسی را داشتند زبان باستانی و هویتشان را از دست نمی‌دادند! یوسفعلی میرشکاک هم در اظهار نظری گفته بود که اگر فردوسی نبود امروز عرب‌زبان بودیم. اما به نظر می‌رسد که جمله این سخنان مربوط به زمانی باشد که شاهنامه فردوسی اسباب خوش روح نسل جوان ایرانی بوده؛ به راستی امروز چند در صد از نسل جوان و نوجوان ایرانی نسبت به شاهکلام شاعر حماسه‌سرای ایران، فردوش دلدادگی دارند و اسبک شعر و شاعری و آشنا هستند و در این بین چند درصد از برنامه‌سازان‌های رسانه ملی وقف معرفی فردوسی و شاهنامه او و دیگر ادیبان، شعرا و دانشمندان ایرانی می‌شود؟

شوکی نیست که یادگیری زبان دوم، سوم و… یکی از معیارهای مهم برای ارتقای سطح علمی جوامع محسوب می‌شود، اما اختصاص نیمی از برنامه‌های رسانه ملی به زبان‌های غیر مادری آن هم در اوضاع اسفناکی که زبان پارسی در جامعه دارد به مثابه بار کردن مادر گبر افتاده در منجلاب و تلاش برای رتق و فتق غیر ضروری بیگانه‌ها است. از ورود اصطلاحات تازه و عامیانه گرفته تا ورود واژه‌های بیگانه انگلیسی و عربی به زبان پارسی و حذف لهجه‌ها و گویش‌های زیر مجموعه زبان پارسی از فرهنگ استان‌های مختلف و بیگانگی فرزندان این مرز و بوم با مشاهیر کشورشان آنچه که امروز ضروری به نظر می‌رسد گذاشتن قند پارسی در دهن نسل جدید است نه شکلات‌های انگلیسی!

## تکذیب صدور مجوز برای برخی فیلم‌های توقیفی

سازمان سینمایی اعلام خواهد شد. برخی رسانه‌ها در روزهای اخیر از احتمال رفع توقیف فیلم‌های منع‌الکران شده در سال‌های اخیر و صدور پروانه نمایش برای این فیلم‌ها خبر داده بودند. این در حالی است که فیلم‌های سینمایی گزارش یک جشن به کارگردانی ابراهیم حاتم‌ی کیا، خیابان‌های آرام و فیلم پادشاه از کمال تبریزی، خانه، پدری به کارگردانی کیانوش عباری، خرس از خسرو معصومی، زمهریر بر علی روبین تن- از جمله آثاری هستند که در سال‌های اخیر با منع‌الکران روبه‌رو شدند. سازمان سینمایی در روزهای اخیر پروانه‌نمایش فیلم‌های قصه‌ها به تهیه‌کنندگی و کارگردانی رخشان اینان، بزنایز به تهیه‌کنندگی عبدالمحمدنجیبی و کارگردانی بهرام بهرامیان که از آثار توقیفی محسوب می‌شدند صادر شد.

## کتاب «دیدم که جانم می‌رود» به چاپ هشتم رسید

توسط قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص) برگزار شده، رتبه اول را در بخش خاطره‌نویسی کسب کرد. وی با بیان اینکه این حماسه در عملیات «الفجر ۲» در تابستان سال ۱۳۶۲ اتفاق افتاده، که تپه برهانی، برپه‌ای از آن حماسه عظیم است، افزود: «حماسه تپه برهانی» در عین حالی که یک «سند تاریخی منحصر به فرد» به شمار می‌رود، سندی است که اگر نبود، قطعه‌ای از تاریخ دفاع مقدس مغفول و مجهول می‌ماند چراکه هیچ نوشته دیگری در باره این برپه از عملیات «الفجر ۲» وجود ندارد. مدیر مؤسسه شهید کاظمی درباره کتاب «دیدم که جانم می‌رود»، گفت: این کتاب دربردارنده ۲۷۳ صفحه‌است که مضمون آن حاوی خاطرات، تصاویر و اسناد شهید مصطفی کاظم‌زاده، است که توسط هم‌رزم وی حمید داودآبادی به نگارش درآمده و به سلیقه و همت جوانان نسل امروز و با مشارکت مؤسسه «سرلشکر شهید احمد کاظمی» برای هشتمین بار تجدید چاپ می‌شود.

## سید محمد حسین جعفریان

محمد حسین جعفریان

## به بهانه مظلومیت «بهزاد پروین قدس»‌ها!



چندی پیش رفته بودم تبریز. آنجا «بهزاد پروین قدس» را دیدم، او در شمار سرمایه‌های ما از سال‌های دفاع مقدس و مردی منحصر به فرد است. با اطمینان می‌گویم منحصر به فرد در داشته‌هایی از آن سال‌ها فراهم کرده که بی‌اغراق برای خودش گنجی بی‌نظیر است. عکس‌هایی ویژه از گردان‌های غواص، دستنوشته‌های روزانه از سال‌ها حضور در خطوط مقدم نبرد، انبوهی از آثار هنری جنگ و… اما تمام اینها در آپارتمانی ۶۰متری زندانی شده‌اند. طی تمام سال‌های پس از جنگ، تنها اندکی از دارایی عظیم معنوی بهزاد امکان ظهور و بروز یافته‌اند. آن هم در سایه مساعدت‌های مرکزی چون سازمان فرهنگی – رسانه‌ای اوج و مجموعه‌های مشابه. به گمان ایمن قلعه، آنچه بهزاد پروین قدس و امثال او طی دهه‌ها با خون جگر فراهم کرده‌اند در شمار ثروت معنوسی این آب و خاک به شمار می‌رود، چه خوب است مسئولان فرهنگی استانی و ملی چنین چهره‌هایی را در یابند. بی‌مهری به چنین جمع‌هایی در حالی شکل می‌گیرد که در همان استان و استان‌های مشابه، میلیاردها تومان از بودجه فرهنگی موجود صرف بالیدن تیم‌های فوتبال می‌شود. سال گذشته در کرمان نیز میهمان بچه‌هایی بودم که از کمبود بودجه برای فعالیت‌های فرهنگی ایران دست‌سخت دلگیر بودند و در همان حال می‌گفتند، میلیارد‌دها تومان از بودجه قابل وصول برای فعالیت‌های فرهنگی صرف تیم فوتبال استان می‌شود.

گاهی در رؤیا با خودم حساب و کتاب می‌کنم که اگر بودجه یک سال این تیم‌های لیگ برتری استان‌ها و حتی پایتخت، صرف ده سال فعالیت مراکز فرهنگی شود، شاهد چه انقلاب و تحولی در این عرصه خواهیم بود؟ حساب کنید چه جمعی از آثار شاعران، نویسندگان، فیلمسازان، اهالی تئاتر و… جوان را می‌توان از چنین بودجه‌ای منتشر کرد. آریا‌های نیست که لاقط مسئولان مربوطه را موظف کند، بخشی از بودجه را که بی‌دریغ در اختیار فوتبال می‌گذارند، سه دیگر حوزه‌های فرهنگی اختصاص دهند؟ مگر نه آن است که طی یک سال میلیارد‌دها تومان

صرف می‌شود تا تیمی چند سبابقه بدهد و برخی حواشی پدید آید و عده‌ای مقابل تلویزیون یا در ورزشگاه‌ها بر د و باخت آن شاد یا غمگین شوند و در پایان درجه‌ای در جدول لیگ برتر بگیرد و تمام پرونده بسته شود تا سال بعد. اما اگر همین بودجه صرف انتشار کتاب و ساخت فیلم و برگزاری جشنواره‌های فرهنگی و… شود، تا بد آثار تولیدی دست ندست شده و تأثیر آنها نیز نسل امروز و فردای ما باقی می‌ماند و حساب سود و فایده این دو و مقایسه آنکه در کدام شکل سود بیشتری نصیب این مملکت می‌شود، چندان سخت نیست. نمی‌دانم چرا کسی کاری نمی‌کند؟ مگر نه آنکه تمام این باشگاه‌ها یک پسوند فرهنگی هم دارند؟ پس این عبارت «فرهنگی» چه خاصیتی دارد؟

## کتابخانه

## به جای فیس‌بوک

## فرهنگ اسلامی را رفع فیلتر کنید

محمد مهدی حکیم

در عصر کنونی ابزارهایی که قدرت انتقال مفاهیم ضدارزشی را در سطح بالایی داشته باشند، مورد توجه دولتمردان کشورهای مستکبر هستند و در این باره سینمایی هالیوود حساسیت ویژه‌ای نسبت به مسائل روز جهان دارد و همواره نقش مطمنی برای تزریق مفاهیم مدنظر دولتمردان امریکا و لابی صهیونیستی را ایفا می‌نماید. در آس هرم سیاست‌های کشور امریکا اسلام‌هراسی و نشان دادن فرهنگ ایران به عنوان یک فرهنگ خشونت‌طلب و محور شرارت در منطقه از ارکان اساسی است که انتقال اینگونه تلقی‌ها به عهده مدیران سینمایی هالیوود سپرده شده است.

این امر که صنعت سینمایی کشور امریکا با نماد توجیه‌گری و موجه نمودن سیاست‌های استکباری و وحشیانه آن کشور و قهرمان نشان دادن کودک کشتان صهیونیست مدیریت و برنامه‌ریزی می‌شود بر همان پوشیده نیست و همین سینما در شکل‌گیری فرزند نامشروعی به نام رژیم اشغالگر صهیونیستی نقش پررنگی را ایفا نموده است. به عنوان مثال در همین صنعت فیلمی با نام «ششگه اجتماعی» اثر دیوید فینچر در راستای تخریب نمودن هر چه بیشتر کاربران فیس‌بوک در راستای تقویت نظام کشور امریکا و استعمار اطلاعاتی و اقتصادی عمده کشورهای جهان ساخته و اکران شد.

با اکتشاهای که بیان شد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان متولی اصلی مبارزه با انتقال برطلمطراق مفاهیم ضد ارزشی و سکولار از نسوی این ابرشیطان‌ها در کجای مسیر قرار دارد، تکند به قبول امیرالمؤمنین علی (ع) برهه‌ای از زمان برسد که در اسارت رود و توحید برتد و تفکر بریند و تفکر سکولاریسم به جای دیانت عین سیاست بنشیند و ارزش‌های اخلاقی دگرگون نشود و در این زمانه چاره‌ای جز به پاشندن قیامی همچون نهضت حسین(ع) نباشد. صرف وقت و پر وبال دادن به اندیشه‌هایی همچون حذف پسوند ارشاد اسلامی از وزارت فرهنگ و تشکیک‌نسیسی به وجود ممیزی قبل از انتشار آثار و رفع فیلتر فیس‌بوک در این کارزار به عبارتی «گل بود به سبزه نیز آراسته شد»، چه چیز دیگری می‌تواند باشد. در این موقعیت و بیچ تاریخ‌ساز نهضت‌های بیداری اسلامی، طبق فرمایشات رهبر فرزانه انقلاب، افغانل و موضع دفاعی در مقابله فرهنگ مهاجم بدترین و خسارت‌بارترین وضعیت است که می‌توان در آن قرار گرفت. آیا گذاشتن فکر و ذکر مسئولان فرهنگ شیعی کشور به برخی از مواردی که لیست شد، در زمره اقدام انفعال نیست؟

این در صورتی است که مشکلات و موارد فراوانی در راه تمرکز نمودن فرهنگ غنی و مترقی اسلام شیعی به موازات فرهنگ ایرانی است، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در مهندسی فرهنگی تشکیل سبک زندگی علوی و رضوی و… همچنین نرم‌افزاری نمودن سبک زندگی معصومین(ع) با موضع تهاجمی و اثرگذار می‌تواند موفق به انتقال از این مفاهیم شود و به یقین این سبک و روش عظیم بر پایه مقل برهانی، توانایی هموار نمودن راه تشکیل سبک زندگی شیعی را دارا هستند. و العاقبه للممتقین!